



پنجشنبه ۱۷ آبان ۱۴۰۳ | صفحه ۲۰ هزار تومان | سال سوم | شماره ۶۴۳
www.hammihanonline.ir



ترجیح داده‌اند در خانه بمانند

بررسی اظهارات رئیس جمهور در مراسم روز پرستار در گفت‌وگو با محمد شریفی مقدم دبیرکل خانه پرستار



جذب سرمایه ۱۶۳ میلیارد دلاری

کشورهای عربی طی ۲۲ سال ۴۶۱ پروژه خارجی در بخش مواد شیمیایی اجرا کردند



شکست از ماسک

مواجهه انتخاباتی سلیزیتی‌ها و هالیوودی‌ها که حامیان نامزد دمکرات در آن باختند



وفاق در شرق

مجموعه گزارش‌های استانی انتصابات دولت / این شماره سیستان و بلوچستان

نگاه هم‌میهن

دردسر بزرگتر نتانیاهاو

درباره برکناری وزیر جنگ اسرائیل



احمد زیدآبادی

نویسنده و مشاور هم‌میهن

در حالی که توجه افکار عمومی بر انتخابات آمریکا متمرکز بود، بنیامین نتانیاهاو، نخست‌وزیر اسرائیل، به صورتی «دزدکی» بوفالو گالات، وزیر دفاع کابینه خود را برکنار و هم‌زمان یزرائیل کاتز، وزیر خارجه را به جای او منصوب کرد. نتانیاهاو از همان ماه‌های نخست تشکیل دولتش، با گالات اصطکاک پیدا کرد و هر چه زمان گذشت، دره اختلاف و بی‌اعتمادی بین دو طرف عمیق‌تر شد. گالات از محدود اعضای حزب لیکود بود که با قانون اصلاحات قضایی مورد نظر نتانیاهاو به مخالفت علنی برخاست و پس از عملیات ۷ اکتبر و آغاز جنگ در نوار غزه نیز نخست‌وزیر را به نداشتن استراتژی متهم کرد. با افزایش اختلافات بر سر مسائل مختلف، دو طرف نتوانستند بی‌اعتمادی متقابل به یکدیگر را پنهان نگه دارند. آنها گویی در حال قهر به سر می‌برند؛ به طوری که حتی در مقابل چشم رسانه‌ها و دوربین‌های تلویزیونی به یکدیگر نگاه و یا کلامی رد و بدل نمی‌کردند. گالات هنگامی که پست وزارت دفاع دولت نتانیاهاو را به عهده گرفت، از سوی رسانه‌ها عمدتاً به عنوان فردی حرفه‌ای و فاقد بینش سیاسی معرفی شد اما از قضا، مهم‌ترین معضل او با نتانیاهاو بر سر «بینش سیاسی» شکل گرفت. گالات در ماه‌های اخیر بارها به صراحت اعلام کرد که جنگ به خودی خود و بدون وجود یک طرح و برنامه سیاسی برای دوران پس از آن، مشکلی را حل نمی‌کند. او بر این باور بود که نتانیاهاو و حلقه یاران نزدیکش هیچ طرح و برنامه سیاسی برای اداره نوار غزه پس از فرونشستن آتش جنگ ندارند و لازم می‌دید که این موضوع را به اتمام مختلف به رسانه‌ها هم بکشاند. دعوی دیگر او با نتانیاهاو بر سر طرح مربوط به معافیت طلاب مدارس تلمودی و ارائه سوبسید به مهدکودک‌های یهودیان ارتدوکس بود. نتانیاهاو برای تشکیل دولت، با دو حزب مذهبی ارتدوکس یعنی یهودیت توراتی متحده و شاس مجبور به ائتلاف شده است. این دو گروه مخالف خدمت نظام وظیفه اجباری برای طلاب حوزه‌های دینی خود هستند و علاوه بر آن، بر دریافت کمک‌های دولتی برای مؤسسات و جوامع تحت سرپرستی خاخام‌های ارتدوکس اصرار می‌ورزند. نتانیاهاو به‌رغم گرایش سکولار خود و حزب متبوعش، برای بقای دولت خود چاره‌ای جز تأمین رضایت دو حزب مذهبی شاس و یهودیت توراتی متحده ندارد و به این منظور درصدد تصویب لایحه‌ای درباره معافیت طلاب و ارائه سوبسید به جوامع ارتدوکس در قالب لایحه بودجه، به این منظور است. گالات به‌خصوص با معافیت طلاب علوم توراتی از خدمت سربازی مخالف بود و وزارت دفاع تحت رهبری او به تاخیر برای فراخواندن هفت هزار طلبه ارتدوکس به زیر پرچم برای آنان احضار به صادر کرده بود. به نظر می‌رسید ارزیابی نتانیاهاو از رفتار اخیر گالات، حرکت او در جهت به تنگنا انداختن و یا حتی سقوط دولت خود بود، بنابراین برای پیشگیری از این رخداد، در شبی که همه توجهات به انتخابات ریاست جمهوری آمریکا جلب شده بود، عملاً به حال «دزدکی» گالات را از کابینه اخراج کرد و به منزلش فرستاد. نتانیاهاو به واقع از مدت‌ها پیش مترصد فرصتی برای برکناری گالات بود. او به نزدیکیانش گفته بود که پس از حمله به خاک ایران، گالات را از پستش برمی‌دارد. اما در شرایط عادی این کار برایش آسان نبود. ❏

سرمقاله

سیاست اسیر کلیشه‌ها

یکی از بدترین ویژگی‌های سیاستمداران اسیر کلیشه شدن آنها است. سیاستمدار حاذق هیچ‌گاه هیچ پدیده‌ای را ذاتاً تهدیدآمیز یا مطلقاً فرصت‌آفرین نمی‌بیند. بلکه هر پدیده‌ای را هم‌زمان واجد ظرفیت‌های تهدیدآمیز یا فرصت‌زا می‌داند و نحوه رفتار و واکنش خود را عامل تعیین‌کننده در تبدیل تهدید به فرصت و برعکس می‌داند. در واقع، سیاستمداران کارکشته و فعال، در برابر پدیده‌های بیرونی منفعل نیستند و به کنشگری خود در ایجاد ظرفیت‌های جدید باور دارند. انتخاب ترامپ به‌عنوان رئیس جمهور جدید آمریکا از پدیده‌هایی است که می‌تواند مشمول کلیشه‌های رایج شود و آمدن او را برای ایران شر مطلق تحلیل کنند. به‌ویژه با تجربه حضور اول او در کاخ سفید که با خروج از برجام و تشدید تحریم‌ها و ترور سردار سلیمانی همراه بود، چنین برداشت و تحلیلی دور از انتظار نیست. با افزایش قیمت ارز در روزهای منتهی به انتخابات آمریکا، بازار نیز با چنین تحلیلی به استقبال ترامپ رفته است. ولی توجه کنیم که ترامپ ظرفیت‌های مهمی دارد و برخلاف اسلافش از جنگ‌های منطقه‌ای پرهیز می‌کند و این را به‌عنوان وعده انتخاباتی نیز بارها ابراز کرده است و اتفاقاً آنچه که امروز برای جامعه ما خطرناک‌تر از هر پدیده دیگری به‌نظر می‌رسد، درگیر شدن در یک جنگ منطقه‌ای است. آنچه که گفته شد به این معنا نیست که هیچ تنش‌ای با ترامپ پیش نخواهد آمد بلکه به این معناست که رسیدن به این نقطه ناشی از خواست و عملکرد ما یا اسیر شدن در کلیشه‌ها و پیش‌داوری‌های موجود نباشد. خیلی از این کلیشه‌ها به دلایل گوناگون نادرست هستند. یا بر حسب تغییر شرایط موضوعیت خود را از دست می‌دهند و بنابراین، دلیلی ندارد که آنها را مبنای رفتار خود قرار داد. به‌ویژه ترامپ به دلیل اینکه وابستگی‌های حزبی کمتری دارد، راحت‌تر می‌تواند کلیشه‌ها را کنار بگذارد. مهم‌تر از این نکته بدیهی، رویکرد ما به مفهوم سیاست است. برای سیاستمداران، مرغ سیاست یک پا ندارد. چنین نیست که سیاست را چون فرآیندی خطی و مستقیم ببینیم و گمان شود که بدون قید و شرط و همواره باید در همان مسیر از پیش تعیین شده حرکت کرد. سیاست باید منعطف باشد. اگر متصلب باشد، احتمال شکست آن بیشتر می‌شود؛ چون طرف مقابل دست سیاستمدار متصلب را پیشاپیش خوانده است. این امر موجب افزایش هزینه‌های سیاست می‌شود و ریسک آن را بالا می‌برد. فقدان انعطاف‌پذیری موجب کور شدن سرچشمه‌های خلاقیت می‌شود و گزینه‌های پیش‌روی سیاستمدار را کاهش می‌دهد. اگر از دوزاویه قیود به ماجرای آمدن ترامپ نگاه کنیم، به‌طور قطع در کنار تهدیدات حضور او در کاخ سفید، فرصت‌هایی هم وجود دارد. فرصت‌هایی که وظیفه بالفعل شدن آن برعهده سیاستمداران منعطف و تحول‌خواه است. بدون شک از همین امروز و با آمدن ترامپ همه سیاستمداران جهانی به دنبال این خواهند بود که شناخت خود از او و سیاست‌هایش را به‌روز کنند و با استفاده از انعطاف‌پذیری خود از این موقعیت به‌سودمنافع ملی کشور خود سود ببرند. مانیز نباید مستثنا از این قاعده باشیم. البته ذکر این نکته ضروری است که نباید اجازه داده می‌شد که وضعیت کشور به‌جایی رسانده شود که بیش از حد متعارف تحت تأثیر تغییرات سیاسی در سایر کشورها قرار گیرد. چنین وضعی تا حدی موجب بی‌ثباتی و وابستگی سیاست‌های کشور می‌شود؛ واقعیتی که در سیاست خارجی ایران کمابیش دیده می‌شود. حتی اگر در اظهارات دیپلماتیک مدعی شویم که حضور هر نامزدی در کاخ سفید برای ما فرقی ندارد، فرق دارد؛ نه فقط برای ما، بلکه برای اغلب کشورهای فرقی دارد؛ آنچه مهم است، کیفیت و کمیت این تفاوت‌ها است.